

## متن سخنرانی افتتاحیه جناب آقای دکتر سیدحسین نمازی

وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام خدمت همکاران عزیز و خواهران و برادران گرامی حاضر در این سمینار و نیز با تشکر از همکارانی که زمینه‌ی برگزاری این سمینار را فراهم کرده‌اند، امیدوارم این سمینارها بتواند راه‌حل‌های عملی را برای بهبود اوضاع اقتصادی جامعه ما فراهم کرده و بحث‌ها و بررسی‌هایی صرفاً نظری نباشد. البته تردیدی نیست که برای حل مسایل اقتصادی جامعه به تحلیل‌های نظری نیاز است، ولی مقصود من این است که نتایج این قبیل سمینارها نباید صرفاً به تحلیل‌های نظری محدود شود. بلکه، همان‌طور که قبلاً اشاره شده، لازم است مباحث مطروحه در این سمینارها در جهت بهبود نظام بانکی و در چارچوب نظام اقتصادی آن معطوف گردد تا در نیل به اهداف مورد نظر انشاءالله مؤثر باشد.

شرایطی که از لحاظ اقتصادی در آن قرار داریم، شرایط ویژه‌ای است. همان‌طور که استحضار دارید از سال ۱۳۵۷ رشد درآمد ناخالص ملی ما روبه کاهش گذاشت و یکی از مشکلات بزرگ دیگر هم مشکل تورم بود که هنوز هم وجود دارد. می‌دانیم که در سال ۱۳۷۴ نسبت تورم  $49/4$  درصد بود که در اردیبهشت همان سال به  $58/5$  درصد رسید. به عبارت دیگر، رکود از یک طرف، و تورم از سوی دیگر، اقتصاد جامعه ما را رنج داده و می‌دهد. خوشبختانه، از سرعت رشد تورم کاسته شد، به طوری که در سال گذشته نسبت تورم زیر  $20\%$  بود و در زمینه برطرف کردن رکود اقتصادی هم بررسی‌های جامعی انجام گرفته و اقداماتی هم به عمل آمده است. در برنامه سوم نیز موضوع به طور مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است.

البته، راه‌های بسیار متفاوتی برای برطرف کردن این تورم ارایه می‌شود. همان‌طور که استحضار دارید، راه‌های مبارزه با رکود و تورم در دو قالب یا چارچوب قابل بررسی و اعمال است. یکی در چارچوب سیاست‌های مالی یعنی آنچه مربوط می‌شود به درآمدها و هزینه‌های دولت و دیگری در قالب سیاست‌های پولی با استفاده از ابزار سیاست پولی، البته، این نکته را باید توجه داشت که وقتی به

این دو راه اشاره می‌کنیم، مفهوم آن این نیست که صرفاً همه‌ی اقداماتی که در زمینه بهبود شرایط اقتصادی انجام می‌گیرد، باید از طریق سیاست‌های مالی یعنی در چارچوب درآمدها و هزینه‌های دولت و بدون توجه به فعال ساختن بخش خصوصی باشد. همین‌طور سیاست‌های پولی هم که طبعاً رابطه بیشتری با بخش خصوصی دارد و از طریق اعطای اعتبارات و تسهیلات، بخش خصوصی را فعال می‌سازد، باید توجه داشت که از طریق اعطای همین تسهیلات و اعتبارات باید بخش خصوصی را بیشتر فعال نمود. به جای این‌که، این اعتبارات یا از طریق تبصره‌های تکلیفی و یا راه‌های دیگر از طریق سیستم دولتی به کار گرفته شود.

بنابراین، یکی از اصولی که همواره باید مورد توجه باشد فعال ساختن مردم و از بین بردن موانع در سر راه فعالیت آنان است. این نکته را هم عرض کنم، در این شرایط ویژه‌ای که قرار داریم، دو عامل هم مزید بر علت شده است. حدود ۵ میلیارد دلار کاهش درآمدهای نفت که در سال گذشته هم بر بودجه ارزی و هم بر بودجه ریالی ما اثر منفی گذاشته است و از طرفی، مسأله خشکسالی هم باعث شده است هزینه‌های اضافی بر دولت و جامعه تحمیل گردد. اگر بخواهیم به دو ابزار مهم از سیاست‌های پولی اشاره کنیم که به این سمینار بیشتر مربوط می‌شود (البته اگر مسایل مربوط به سیاست‌های مالی را فعلاً کنار بگذاریم)، یکی از این ابزارها سهم صاحب سپرده است یا به تعبیر دیگری، سود بانکی.

در این زمینه هم بحث‌های متعددی است و الان هم موقع تصمیم‌گیری، مطلبی که اخیراً زیاد درباره‌اش صحبت می‌شود این است که اگر سود بانکی را افزایش بدهیم، از یک طرف موفق می‌شویم ارزش پولی صاحب پس‌انداز را حفظ کنیم و از طرف دیگر موفق می‌گردیم پس‌اندازهای بیشتری را جمع‌آوری کرده و منبعی را برای توسعه سرمایه‌گذاری فراهم کنیم. این مطلبی است که در نشریات علمی و هم در نشریات معمولی به انگیزه‌های مختلف، زیاد درباره‌اش صحبت می‌شود. یکی از طرف مردم معمولی و عادی است که حفظ ارزش پس‌انداز صاحبان پس‌انداز را مطرح می‌کنند و یکی هم از ناحیه دست‌اندرکاران سیاست‌های اقتصادی، مخصوصاً سیاست‌های پولی.

در اینجا من نمی‌خواهم به مطلبی اساسی که قبلاً هم بارها مطرح شده، اشاره کنم که اگر ما بتوانیم به سمت مشارکت واقعی قدم برداریم، این مشکلات ما عملاً حل است؛ یعنی، اگر صاحبان پس‌انداز در سود واقعی حاصل از به کار انداختن پس‌اندازشان سهیم شوند، عملاً از آثار منفی تورم مصون مانده و سود واقعی را دریافت می‌کنند. خوشبختانه، آقای دکتر نوربخش هم اخیراً خبر خوبی را دادند و گفتند که جمعی از صاحب‌نظران را دعوت کرده‌اند تا بررسی‌هایی در این مورد بشود، موانع را شناسایی کرده و راه‌حلی برای آن بیابند. یکی از این موانع در واقع همان مسأله برآورد صحیح از جزئیات و از سودی است که به دست می‌آید. احیاناً موانع اجرایی دیگری هم وجود دارد که امیدواریم این کار با جدیت بیشتری دنبال شود.

اما، نکته‌ای درباره آنچه تحت عنوان افزایش میزان سود بانکی مطرح است، می‌خواهم خدمتتان

عرض کنم. در مسایل اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن نمی‌توان فقط به یک بُعد قضیه توجه داشت. اگر ما ابعاد متفاوت را مورد توجه قرار ندهیم، چه بسا نتیجه‌ای را که می‌گیریم در جهت خلاف همان هدفی باشد که دنبال می‌کردیم.

باز من نمی‌خواهم در اینجا زیاد وارد این بحث شوم که در واقع علت این‌که افراد پولشان را در سیستم بانکی نگه‌میدارند چیست. یا، با وجود این‌که میزان تورم بالاتر است، افرادی پولشان را در سیستم بانکی می‌گذارند که میزان سود کمتری دارد و این درحالی است که می‌دانند ارزش واقعی پولشان کاهش پیدا می‌کند. البته، این کار دلایل مختلفی دارد. یکی به سبب اطمینانی است که به سیستم بانکی دارند و می‌دانند که اصل پولشان محفوظ می‌ماند و ریسک و خطرپذیری هم ندارد. فکر می‌کنند اگر همین پول را وارد بازار سهام یا بورس نمایند، احتمال زیان برایشان وجود دارد. به هر حال راهی را انتخاب می‌کنند که براساس آن تضمین می‌گیرند با این‌که میزان سود بانکی از میزان تورم پایین‌تر هست، پولشان را وارد شبکه بانکی کنند (البته نه همه افراد)، و کنش‌ها هم در واقع نسبت به این افزایش یا کاهش میزان سود متفاوت است. اما، من می‌خواهم اشاره‌ای به تبعات جنبی این موضوع، یعنی افزایش میزان سود بانکی داشته باشم. فرض کنید افزایش میزان سود بانکی سبب شود که مقدار بیشتری از این پس‌اندازها جذب گردد و زمینه برای سرمایه‌گذاری فراهم آید. یکی از مشکلات عمده این است که توسل به این امر به شدت ضد اشتغال است. من یکی دوبار این مسأله را در هیأت دولت مطرح کردم. بعضی از همکارانمان از جمله وزیر کشاورزی می‌گفتند که با همین میزان سود بانکی فعلی، بسیاری از کشاورزان دست از کار کشیده‌اند و برایشان صرف نمی‌کند کار کنند. یا بعضی از واحدهای تولیدی کوچک که گرفتار مسایلی هستند مانند، تأمین مواد اولیه، مشکل کار و کارگری، مسایل مربوط به پرداخت مالیات‌ها، عوارض مختلفی که از تولید گرفته می‌شود، در دسرهایی که به هر حال یک کار تولیدی دارد، به هر حال دچار مشکل هستند. مگر یک تولیدکننده در نهایت چند درصد سود می‌برد؟ مخصوصاً وقتی که این مالیات‌ها و عوارض را پرداخت می‌کند و درگیری‌ها و مشکلاتی دارد. می‌دانیم سرمایه‌گذاری در بخش‌های کوچک بیشتر اشتغال‌زاست تا مثلاً ۲۰۰ میلیارد تومان یا ۵۰۰ میلیارد تومان پولی که بایست به طرح‌های مختلف مثل مترو و سد سازی و از قبیل آن داده شود. پرداخت چنین رقم‌هایی به آن شکل اشتغال‌زا نیست. یعنی از یک طرف انگیزه فعالیت در سطوح مختلف کاهش پیدا می‌کند و اشتغال پایین می‌آید و از طرفی سرمایه‌گذاری بانک به آن طریق چندان اشتغال‌زا نخواهد بود.

نکته خیلی مهم دیگر این‌که، افزایش میزان سود بانکی موجب افزایش هزینه تولید و در نهایت افزایش قیمت کالای تمام شده می‌شود و تورم‌زا نیز هست. توجه کنید که هر تولیدی به بهبود اوضاع اقتصادی نمی‌انجامد. اگر کالاهایی تولید شود، ولی مردم قدرت خرید آنها را نداشته باشند، کالاهایی تولید شده به فروش نرفته و در انبارها می‌ماند و مؤسسه تولیدی هم ضرر می‌کند.

پریروز کمیسیون اقتصاد و دارایی برگزار شد که آقای دکتر نوربخش هم تشریف داشتند. وزیر مسکن و شهرسازی هم آنجا آمده بودند و توضیحاتی می‌دادند. یکی از توضیحات ایشان این بود که می‌گفتند مشکل ما مشکل تولید مسکن نیست. البته، نه این که هیچ مشکلی نداشته باشم، ولی می‌گفتند که بیشترین مشکل ما در قسمت تقاضا برای مسکن است؛ یعنی مسکن‌هایی که ساخته می‌شود، قدرت خرید برای آن وجود ندارد و عملاً نمی‌توان این مسکن‌ها را به فروش رسانید. به همین دلیل در صدد یافتن راه‌هایی بودند تا با استفاده از امکاناتی مانند استفاده از اعتبارات و تسهیلات بانکی بتوان این مسکن‌ها را به فروش رساند. بنابراین، اگر افزایش میزان سود بانکی منجر به افزایش قیمت‌ها و در نهایت به عدم فروش و تعطیلی مؤسسات تولیدی بیانجامد، پس این نیز یکی از خسارت‌هایی است که ما مجبوریم تحمل کنیم. باید توجه کرد که اگر هر تصمیمی در زمینه اقتصاد گرفته شود، چنانچه در جهت صلاح مردم نبوده و آنان را بیشتر تحت فشار قرار دهد، یقیناً موفق نبوده و سرانجام با شکست مواجه خواهد گردید. این مسأله هم در کشور خودمان و هم در جاهای دیگر تجربه شده است و نمونه‌های فراوان آن دیده می‌شود. به عبارت دیگر، از این نرخ سود بانکی که معمولاً در دنیا به عنوان مهمترین ابزار سیاست پولی استفاده می‌شود، ما باید بتوانیم درست استفاده کنیم. همان‌طور که عرض کردم، حل مشکل اساسی از طریق همان پیاده کردن سیستم مشارکت یا همین طریقی که سیستم بانکی ما مشارکت دارد، باید دنبال سیاستی باشیم که ضد رکود بوده و تورم‌زا هم نباشد؛ یعنی یک سیاست انبساطی. افزایش نسبت سود بانکی، هم تورم‌زاست و هم رکود آفرین و با توضیحاتی که دادیم مشخص است یعنی هم از یک طرف هزینه تولید را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر تقاضا برای سرمایه‌گذاری و تقاضا برای کالاها و خدمات را کاهش داده رکود را تشدید می‌کند. می‌دانید که امروزه وقتی می‌خواهند با رکود مقابله کنند، میزان سود بانکی را پایین می‌آورند. به هر حال، این نکته خود از القابای سیاست پولی می‌باشد؛ یعنی ما نمی‌توانیم در شرایط رکود، میزان سود را بالا ببریم زیرا عملاً اقدامی رکودی خواهد بود و به عبارت دیگر ضد رشد و اشتغال که تورم‌زانیز هست، چون هزینه تولید را بالا می‌برد؛ پس چنین کاری درست در جهت خلاف هدف و مصالحی است که به دنبالش هستیم.

در برنامه سوم اتفاقاً هم اشتغال، محور است و هم مهار تورم. بنابراین، اگر بخواهیم دنبال اهداف برنامه سوم باشیم، یقیناً باید سیاست‌های پولی را طوری تنظیم کنیم که هم بتوانیم با رکود مقابله کنیم و هم تورم را مهار گردانیم. ابزار دوم سیاست‌های پولی میزان سپرده قانونی است که بانک‌ها نزد بانک مرکزی دارند. ظاهراً حالا حدود ۲۴٪ را نگه می‌دارند. بحث این است که اگر در شرایط رکود این میزان کاهش یابد، مثلاً بشود ۱۸٪، عملاً امکان اعطای اعتبارات و تسهیلات برای سیستم بانکی بیشتر می‌شود. به همین دلیل هم هست که برای مقابله با رکود این نرخ را معمولاً در دنیا کاهش می‌دهند.

برعکس، در مواقعی که بخواهند تا حدودی سیاست‌های انقباضی را اعمال کنند و جلوی تورم را بگیرند، معمولاً نرخ را افزایش می‌دهند تا امکان اعتباردهی بانک‌ها کمتر شود. بحثی که از مدتی قبل

مطرح بوده و در ستاد اقتصادی هم درباره آن صحبت شده است این است که کاهش در نرخ سپرده قانونی انجام بگیرد و قرار شده است که بانک مرکزی هم در این زمینه بررسی کرده و نتیجه کار کارشناسی را ارائه دهند. احتمالاً در شورای پول و اعتبار هم موضوع مورد مذاقه قرار می‌گیرد تا شاید از این طریق هم بتوانیم تا اندازه‌ای با رکود مقابله کرده و در واقع سیاست‌های انبساطی پولی را اعمال کنیم.

چون فرصت من در حال اتمام است، بنابراین قصد صحبت بیشتری ندارم. در نهایت آرزو می‌کنم که انشاءالله سیستم بانکی با فعالیت بیشتر راه‌هایی را بررسی کند که از طریق آن بتوان با مشکلات موجود اقتصادی مقابله کرده، اوضاع رکود را از بین برده و تورم را مهار نماید. انشاءالله در این راه‌ها به توفیقاتی برسیم. هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی هم که از مسایل بسیار مهم است، انشاءالله بتواند در رفع مشکلات خاص اقتصادی ما مؤثر باشد و در نهایت از فشار اقتصادی بر مردم و جامعه ما بکاهد. انشاءالله با عنایات الهی موفق شویم وضع بهتری را برای هموطنانمان به وجود آوریم.

با تشکر از توجه و حوصله شما،

**والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.**